



The Charter of Human Excellence from the Perspective of the Holy Quran: Based on the SWOT Analytical Model and Its Relation to Islamic Governance*



Seyed Gholamreza Mousavi¹ 

Received: 2025/01/21 • Revised: 2025/02/12 • Accepted: 2025/03/10 • Published online: 2025/05/04

Abstract

The Holy Quran, as the divine book of Muslims, serves as a comprehensive and unparalleled charter that plays a central role in guiding and elevating humanity in all aspects of life. The main focus of its teachings is "humanity," and deeply understanding these teachings is both a religious and cultural duty for every Muslim, especially the educated. As a pioneer of Islamic culture, Iranian society needs to integrate Quranic teachings into individual and social life and utilize them to address contemporary challenges. This article aims to present a novel framework for understanding Quranic teachings by employing the SWOT model to analyze and formulate the charter of human excellence from the Quranic perspective. Within this framework, missions, values, strengths and weaknesses, opportunities, and threats facing humanity are examined using a descriptive-analytical method. The article pursues two main objectives: first, highlighting the necessity of using a common global

1. Assistant Professor, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.

gholamrezamousavi1348@gmail.com

* Mousavi, S. Gholamreza. (2025). The Charter of Human Excellence from the Perspective of the Holy Quran: Based on the SWOT Analytical Model and Its Relation to Islamic Governance. *Journal of Islamic Governance Studies*, 1(1), pp. 16-62.

<https://doi.org/10.22081/jislamicgo.2025.70907.1001>

* **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. ***Type of article:** Research Article

© The Authors



language to convey Quranic concepts to both domestic and international audiences so that engagement with the Quran goes beyond mere recitation and deeply impacts hearts and minds; second, explaining this analysis as an effective tool for Islamic governance, which, through this model, can enhance human strengths, manage weaknesses, utilize opportunities, and mitigate threats. In this context, Islamic governance serves as a foundation for individual and social growth, guiding humanity toward its ultimate goal—divine proximity.

Keywords

The Holy Quran, Charter of Human Excellence, SWOT Model, Quranic Concept Analysis, Human Existential Philosophy, Ethical Values, Common Global Language, Islamic Governance.





وثيقة سموّ الإنسان من منظور القرآن الكريم بناءً على نموذج تحليل SWOT وعلاقتها بالحوكمة الإسلامية



السيد غلامرضا الموسوي^١

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٥/٠١/٢١ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٢/١٢ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٣/١٠ • تاريخ النشر الإلكتروني: ٢٠٢٥/٠٥/٠٤

الملخص

القرآن الكريم، الكتاب السماوي للمسلمين، يعدّ وثيقة شاملة وفريدة من نوعها، يلعب دوراً محورياً في هداية الإنسان وسموّه في جميع أبعاد الحياة. المحور الأساسي لتعاليم هذا الكتاب الإلهي هو «الإنسان»، ويعتبر الفهم العميق لهذه التعاليم واجباً دينياً وثقافياً لكل مسلم، لا سيما المثقفين والمتعلمين. إنّ المجتمع الإيراني، بوصفه رائداً في الثقافة الإسلامية، يحتاج إلى إدماج تعاليم القرآن في صميم حياته الفردية والاجتماعية والاستفادة منها لحل التحديات المعاصرة. تهدف هذه المقالة إلى تقديم نموذج جديد لفهم التعاليم القرآنية، من خلال استخدام نموذج SWOT لتحليل وصياغة وثيقة سموّ الإنسان من منظور القرآن الكريم. وفي هذا الإطار، يتم تحليل المهام والقيم ونقاط القوة والضعف والفرص والتهديدات التي تواجه الإنسان باستخدام المنهج الوصفي- التحليلي. تسعى هذه الدراسة إلى تحقيق هدفين رئيسيين: أولاً، التأكيد على ضرورة استخدام لغة مشتركة وعالمية لنقل المفاهيم القرآنية إلى الجمهور المحلي والدولي، بحيث تتجاوز

١٨
مطامير
سكّاني آسمای

سال اول، شماره اول (پیاپی) بهار و تابستان ١٤٠٤

١. أستاذ مساعد في جامعة باقر العلوم عليه السلام، قم، إيران.

gholamrezamousavi1348@gmail.com

* الموسوي، السيد غلامرضا، (٢٠٢٥). وثيقة سموّ الإنسان من منظور القرآن الكريم بناءً على نموذج تحليل SWOT وعلاقتها بالحوكمة الإسلامية. دراسات الحوكمة الإسلامية، ١ (١)، صص ١٦-٦٢.

<https://doi.org/10.22081/jislamicgo.2025.70907.1001>

التصنيف: علمية محكمة؛ الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران. © الكتاب



العلاقة مع القرآن مستوى التلاوة لتؤثر معارفه في القلوب والعقول؛ ثانياً، توضيح هذا التحليل كأداة فعّالة للحكمة الإسلامية، التي يمكنها من خلال استخدام هذا النموذج تعزيز نقاط القوة لدى الإنسان، وإدارة نقاط الضعف، واستغلال الفرص وتقليل التهديدات. الحكمة الإسلامية في هذا الإطار تمهد الطريق للنمو الفردي والاجتماعي للإنسان وتوجيهه نحو الهدف النهائي وهو القرب من الله تعالى.

الكلمات المفتاحية

القرآن الكريم، وثيقة سموّ الإنسان، نموذج SWOT، تحليل المفاهيم القرآنية، الفلسفة الوجودية للإنسان، القيم الأخلاقية، اللغة المشتركة العالمية، الحكمة الإسلامية.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند تعالی انسان از منظر قرآن کریم بر اساس مدل تحلیلی SWOT و ارتباط آن با حکمرانی اسلامی

سید غلامرضا موسوی^۱ 

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴



چکیده

قرآن کریم، کتاب آسمانی مسلمانان، به عنوان سندی جامع و بی‌بدیل، نقش محوری در هدایت و تعالی انسان در تمامی ابعاد زندگی دارد. محور اصلی آموزه‌های این کتاب الهی، «انسان» است و فهم عمیق این آموزه‌ها، وظیفه‌ای دینی و فرهنگی برای هر مسلمان، به ویژه افراد تحصیل کرده به شمار می‌رود. جامعه‌ی ایران، به عنوان پیشگام فرهنگ اسلامی، نیازمند آن است که آموزه‌های قرآن را در متن زندگی فردی و اجتماعی خود جای داده و از آن برای حل چالش‌های معاصر بهره گیرد. این مقاله با هدف ارائه‌ی الگویی نوین برای فهم آموزه‌های قرآنی، از مدل SWOT برای تحلیل و تدوین سند تعالی انسان از منظر قرآن استفاده کرده است. در این چارچوب، مأموریت‌ها، ارزش‌ها، نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی انسان با روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده‌اند. مقاله، دو هدف اصلی را دنبال می‌کند: نخست، ضرورت استفاده از زبانی مشترک و جهانی برای انتقال مفاهیم قرآنی به مخاطبان داخلی و بین‌المللی، به گونه‌ای که ارتباط با قرآن از سطح روخوانی، فراتر رفته و معارف آن در

۲۰
 مطالعات
 حکمرانی اسلامی

سال اول، شماره اول (پیاپی ۱) بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱. استادیار، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران.

gholamrezamousavi1348@gmail.com

* موسوی، سید غلامرضا. (۱۴۰۴). سند تعالی انسان از منظر قرآن کریم بر اساس مدل تحلیلی SWOT و ارتباط آن با حکمرانی اسلامی. مطالعات حکمرانی اسلامی، (۱)، صص ۱۶-۶۲.

<https://doi.org/10.22081/jislamicgo.2025.70907.1001>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. © نویسندگان



قلب‌ها و ذهن‌ها اثرگذار شود؛ دوم، تبیین این تحلیل به‌عنوان ابزاری کارآمد برای حکمرانی اسلامی، که از طریق بهره‌گیری از این مدل می‌تواند نقاط قوت انسان را تقویت، ضعف‌ها را مدیریت و از فرصت‌ها بهره‌برداری کرده و تهدیدها را کاهش دهد. حکمرانی اسلامی در این چارچوب، زمینه‌ساز رشد فردی و اجتماعی انسان و هدایت او به سوی هدف نهایی یعنی قرب الهی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها

قرآن کریم، سند تعالی انسان، مدل SWOT، تحلیل مفاهیم قرآنی، فلسفه‌ی وجودی انسان، ارزش‌های اخلاقی، زبان مشترک جهانی، حکمرانی اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بیان مسأله

قرآن کریم، کتاب آسمانی مسلمانان، به عنوان آخرین وحی الهی، به طور کامل از سوی خداوند متعال به پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ نازل شده است. این کتاب مقدس تنها یک مرجع دینی برای عبادات و مراسم مذهبی نیست، بلکه مجموعه‌ای جامع از دستورالعمل‌ها، مفاهیم و راهکارهایی است که در تمامی جنبه‌های زندگی انسان، از ابعاد فردی گرفته تا اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی، کاربرد دارد. آیات قرآن کریم نه تنها انسان‌ها را به سوی ایمان و تقوا دعوت می‌کند، بلکه به طور خاص از انسان‌ها خواسته است تا به بهبود و تکامل خود در این دنیا و آخرت پرداخته و از توانمندی‌های خود برای ساخت دنیایی بهتر استفاده کنند؛ از این رو، قرآن کریم به عنوان سندی جامع برای تعالی انسان شناخته می‌شود.

محور اصلی مفاهیم قرآن، «انسان» است. تمامی دستورات، احکام و آموزه‌های قرآنی برای هدایت انسان به سوی کمال و سعادت نازل شده‌اند. قرآن از انسان می‌خواهد که با بهره‌گیری از عقل و فطرت خود، درک صحیحی از هستی، خداوند و جایگاه خود در عالم پیدا کند و به سوی هدف‌های عالی انسانی حرکت کند. در این مسیر، قرآن کریم همواره به مفاهیم اخلاقی، اجتماعی، فردی و حتی اقتصادی پرداخته و راه‌های تعالی انسان را از ابعاد مختلف تبیین کرده است.

در دنیای مدرن امروز، با پیچیدگی‌ها و چالش‌های فراوانی که جوامع با آن روبه‌رو هستند، نیاز به فهم عمیق و کاربردی از قرآن بیش از پیش احساس می‌شود. جامعه ایران، به عنوان پیشگام فرهنگ اسلامی، باید قرآن را نه تنها به عنوان کتابی مقدس و مذهبی، بلکه به عنوان مرجعی برای حل مسائل فردی و اجتماعی خود در نظر گیرد.

در این راستا، آشنایی با مفاهیم قرآنی و دستیابی به درکی عمیق از آموزه‌های آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. قرآن کریم باید در متن زندگی فردی و اجتماعی قرار گیرد و معارف آن باید در قلب‌ها و ذهن‌ها تأثیر بگذارد تا بتواند راهگشای مشکلات انسان‌ها باشد.

تحصیل کردگان و نخبگان جامعه، به ویژه، مسئولیت سنگینی در این زمینه دارند. این افراد نه تنها باید در عرصه‌های علمی خود به جست‌وجوی حقیقت و علم پرداخته و با پژوهش‌های خود به ارتقاء سطح دانش جامعه کمک کنند، بلکه باید پیوندی عمیق میان علم و دین برقرار کنند و از قرآن کریم به عنوان مرجعی برای تعالی فردی، اجتماعی و علمی استفاده نمایند. آنان باید الگویی از انسان کامل در جامعه باشند و با تبیین مفاهیم قرآنی، راه‌حل‌های نوآورانه برای مشکلات مختلف اجتماعی و فردی ارائه دهند.

هدف این مقاله، ارائه‌ی مدل جدیدی برای تحلیل و استفاده از قرآن کریم در راستای تعالی انسان است. در این مدل از تحلیل SWOT بهره‌برداری شده است، مدلی که می‌تواند به‌طور مؤثری نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در مسیر تعالی انسان را از منظر قرآن شناسایی کند. این مدل می‌تواند به‌عنوان یک ابزار نوین در فهم عمیق‌تر قرآن کریم و کاربرد آن در مسائل مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها مورد استفاده قرار گیرد. به ویژه اینکه این مدل نه تنها می‌تواند برای جامعه ایران مفید واقع شود، بلکه توانایی جذب مخاطبان جدید در سطح جهانی را نیز دارد. در این مقاله، نگارنده قصد دارد با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، قرآن کریم را از زاویه‌ای نوین بررسی کرده و الگویی کاربردی برای تعالی انسان ارائه دهد که بتواند الهام‌بخش جوامع مختلف در سطوح گوناگون باشد. ضمن آنکه سند تعالی انسان، می‌تواند به‌عنوان ابزاری کارآمد برای تحلیل وضعیت انسان از منظر قرآن کریم ذیل مباحث حکمرانی اسلامی قرار گیرد و به تدوین راهبردهایی برای تعالی و رشد فردی و اجتماعی کمک نماید. در این چارچوب، مأموریت‌ها، ارزش‌ها، نقاط قوت، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها مورد شناسایی و بررسی قرار می‌گیرند.

مفاهیم

مناسب است که در ابتدای مقاله، توضیحاتی درباره‌ی مفاهیمی که در طول تحقیق به آن‌ها اشاره خواهد شد، ارائه گردد. این توضیحات به روشن‌تر شدن مباحث و اهداف مقاله کمک کرده و زمینه‌سازی مناسبی برای درک بهتر مطالب فراهم می‌آورد.

تعالی انسان

تعالی به معنای رسیدن به کمال و رشد معنوی است. در تعالی انسان از منظر قرآن، تمرکز، بیشتر بر ابعاد معنوی، اخلاقی و الهی انسان است. تعالی انسان به مفهوم بهبود و رشد روحانی و اخلاقی است، جایی که انسان با تزکیه‌ی نفس و انجام اعمال صالح به قرب الهی می‌رسد. این مفهوم در اسلام به‌ویژه بر رابطه‌ی انسان با خداوند، تزکیه‌ی روح و رسیدن به کمال انسانی تأکید دارد.

توسعه‌ی انسان

توسعه‌ی انسان به معنای بهبود شرایط زندگی انسانی در تمامی ابعاد است. توسعه‌ی انسان باعث رشد و بهبود ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌شود. توسعه‌ی انسان بیشتر به مسائل دنیوی و ارتقاء سطح رفاه، عدالت اجتماعی، حقوق بشر، بهداشت، آموزش و مشارکت در اجتماع توجه دارد. در توسعه‌ی انسان، رشد معنوی نیز ممکن است مورد بحث قرار گیرد، اما تمرکز اصلی بر شرایط زندگی در این دنیا و بهبود امکانات و توانایی‌های مادی و اجتماعی انسان است.

البته منظور ما از واژه‌ی تعالی در «سند تعالی»، شامل هر دو معنای پیش گفته است. با این توضیح که تعالی انسان در زندگی دنیوی، هم در ابعاد معنوی، اخلاقی و الهی و هم در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مورد توجه قرار دارد.

مدل SWOT

این مدل یک ابزار تحلیلی است که به کمک آن می‌توان نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها را شناسایی کرد و از این تحلیل برای تدوین راهکارهای راهبردی و عملیاتی استفاده نمود.

این مدل به‌عنوان یک ابزار تحلیلی شامل عناصر ذیل است:

نقاط قوت (Strengths): ویژگی‌ها و مزیت‌های موجود در سیستم یا جامعه و یا حتی

فرد که می‌تواند به پیشرفت و تعالی کمک کند. این بخش شامل توانمندی‌ها، منابع، ارزش‌ها و ظرفیت‌های مثبت است.

نقاط ضعف (Weaknesses): چالش‌ها، کاستی‌ها یا کمبودهایی که مانع از تحقق اهداف و پیشرفت می‌شود. شناسایی این ضعف‌ها می‌تواند به برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت کمک کند.

فرصت‌ها (Opportunities): شرایط یا امکاناتی که می‌توانند به رشد و تعالی انسان کمک کنند. این فرصت‌ها می‌توانند ناشی از تغییرات اجتماعی، علمی یا فرهنگی باشند که می‌توان از آن‌ها بهره‌برداری کرد.

تهدیدها (Threats): عواملی که ممکن است مانع از رسیدن به اهداف و تعالی شوند. تهدیدها می‌توانند شامل موانع اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی باشند که به‌ویژه در سطح کلان وجود دارند (احمدی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۴۶).

سند

وقتی از عبارت «سند توسعه» یا «سند تعالی» استفاده می‌شود، مراد از «سند» به معنای یک مرجع یا مستند است که اهداف، اصول، راهکارها و مسیرهای عملیاتی برای دستیابی به یک وضعیت یا هدف مشخص را ترسیم می‌کند. به عبارت دیگر، سند به‌عنوان یک ابزار راهنما یا نقشه‌ای عمل می‌کند که برنامه‌ریزی و اقدامات لازم برای رسیدن به توسعه یا تعالی را مشخص می‌سازد. این سند می‌تواند شامل اهداف بلندمدت، سیاست‌ها، راهبردها، و معیارهایی باشد که برای پیشرفت و بهبود در زمینه‌های مختلف، از جمله فردی، اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی، طراحی شده است (مرادی و تنگستانی، ۱۴۰۱). به‌ویژه در زمینه‌ی قرآن، این سند می‌تواند شامل آموزه‌ها و راهکارهایی باشد که بر اساس مفاهیم قرآنی به تعالی یا توسعه‌ی انسان و رشد فردی و اجتماعی او کمک کند.

براین اساس، سند تعالی بر اساس مدل SWOT به معنای استفاده از این مدل تحلیلی برای تدوین یک مرجع یا مستند راهبردی برای دستیابی به اهداف مشخص در زمینه‌ای خاص، مانند تعالی انسان از منظر قرآن کریم است. استفاده از این مدل در تدوین سند

توسعه یا تعالی انسان، به شناسایی این ابعاد و سپس تدوین راهکارهایی برای بهره‌برداری از نقاط قوت، مقابله با نقاط ضعف، استفاده از فرصت‌ها و مدیریت تهدیدها کمک می‌کند. این تحلیل می‌تواند در قالب سندی راهبردی ارائه شود که به‌طور دقیق مسیر پیشرفت و رشد در ابعاد مختلف زندگی انسان را مشخص سازد. مدل فوق با وجود سادگی‌اش، یک ابزار قوی و قابل انعطاف برای تحلیل‌های استراتژیک است که می‌تواند به سازمان‌ها و افراد کمک کند تا وضعیت خود را بهتر بشناسند، تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند و استراتژی‌های مؤثرتری برای موفقیت خود تدوین کنند. این مدل به دلیل توانایی در ارائه‌ی دیدگاه جامع و کاربرد وسیعش در بسیاری از زمینه‌ها محبوبیت زیادی دارد.

تحلیل قرآن با استفاده از این مدل می‌تواند رویکردی نوآورانه برای بررسی ابعاد مختلف محتوایی، معنایی و تأثیرات آن باشد. با این حال، باید توجه داشت که مدل مذکور برای تحلیل استراتژیک سازمان‌ها، پروژه‌ها یا وضعیت‌های خاص طراحی شده است، نه برای تحلیل متون مذهبی یا مقدس. با این وجود، اگر هدف این باشد که بررسی کنیم چگونه آموزه‌های قرآن می‌تواند به عنوان یک منبع برای مدیریت، هدایت و بهبود در حوزه‌های مختلف زندگی و جامعه استفاده شود، می‌توان از این مدل به‌طور خلاقانه‌ای استفاده نمود. در این حالت، هدف، بیشتر بررسی ابعاد کاربردی و راهبردی قرآن در زمینه‌های مختلف است. در اینجا تذکر دو نکته مهم است:

اول) اولین نکته‌ای که باید مد نظر قرار گیرد این است که این مدل با وجود سادگی و کارآمدی در تحلیل، دارای نقایص و محدودیت‌هایی است که باید در نظر گرفته شوند. برخی از این نقایص شامل موارد زیر است:

۱. ساده‌سازی بیش از حد

مدل SWOT به دلیل تقسیم‌بندی ساده به چهار بخش (نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها) ممکن است واقعیت‌های پیچیده و چند لایه‌ی سازمان یا محیط را نادیده بگیرد. این ساده‌سازی می‌تواند به تحلیل‌های سطحی و ناکافی منجر شود که ابعاد عمیق‌تر مسائل و فرصت‌ها را منعکس نمی‌کند.

۲. عدم اولویت‌بندی و وزن‌دهی

این مدل به‌طور صریح مشخص نمی‌کند که کدام نقاط قوت یا ضعف مهم‌تر هستند و چه فرصت‌ها یا تهدیدها اولویت بالاتری دارند. نبود معیارهای عینی برای وزن‌دهی به هر عنصر می‌تواند منجر به سردرگمی در تعیین اینکه کدام عوامل باید مورد توجه فوری قرار گیرند، شود.

۳. وابستگی به ذهنیت افراد

مدل فوق به‌شدت به نظرات و دیدگاه‌های شخصی کسانی که تحلیل را انجام می‌دهند وابسته است. این امر می‌تواند منجر به تحلیل‌های مغرضانه یا اشتباه شود، زیرا افراد، ممکن است بر اساس فرضیات نادرست یا دیدگاه‌های ذهنی، نقاط قوت یا ضعف را شناسایی کنند.

۴. پویایی محدود

مدل مذکور یک تحلیل لحظه‌ای است و تغییرات درونی و بیرونی سازمان یا فرد را به صورت پویا و مستمر مد نظر قرار نمی‌دهد. به عبارت دیگر، این مدل نمی‌تواند به‌طور مؤثر تغییرات سریع و غیرمنتظره در محیط خارجی یا داخلی را شناسایی یا پیش‌بینی کند.

۵. تمرکز بر وضعیت فعلی به جای روندهای آینده

این مدل به‌طور عمده بر تحلیل وضعیت فعلی سازمان یا فرد متمرکز است و به اندازه‌ی کافی به آینده و تحولات پیش‌رو توجه ندارد. این می‌تواند منجر به ناتوانی در پیش‌بینی تغییرات آینده و واکنش مناسب به آن‌ها شود.

۶. عدم ارائه‌ی راه‌حل‌های مشخص

مدل فوق به‌خودی‌خود یک ابزار تحلیلی است و راه‌حل‌های اجرایی خاصی برای رفع نقاط ضعف یا استفاده از فرصت‌ها ارائه نمی‌دهد. این ابزار به افراد یا سازمان‌ها کمک می‌کند تا وضعیت خود را شناسایی کنند، اما فرآیند ارائه‌ی استراتژی‌ها یا راه‌حل‌های عملی را به صراحت بیان نمی‌کند.

۷. نبود تحلیل عمیق درباره‌ی روابط میان عوامل

این مدل، تعاملات و هم‌پوشانی میان نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها را به

صورت سیستماتیک بررسی نمی‌کند. برای مثال، ممکن است یک نقطه ضعف درونی به یک تهدید خارجی تبدیل شود، اما این مدل به صراحت به چگونگی تأثیرگذاری متقابل این عوامل نمی‌پردازد. ولی با این همه، این مدل یک ابزار مفید و مؤثر برای تحلیل‌های اولیه و راهبردی است، اما نقایص آن نشان می‌دهد که باید با دقت استفاده شود.

البته مدل مذکور با وجود برخی نقایص، دارای مزایای زیادی به شرح زیر است که آن را به یکی از محبوب‌ترین و پرستفاده‌ترین ابزارهای تحلیل استراتژیک تبدیل کرده است (هنری مینتز برگ، ۱۳۹۵، ص ۳۱).

۱. سادگی و قابل فهم بودن

یکی از بزرگ‌ترین مزایای این مدل سادگی آن است. این مدل به راحتی قابل درک و استفاده است و نیازی به دانش تخصصی پیچیده یا ابزارهای پیشرفته ندارد. این ویژگی باعث می‌شود که سازمان‌ها و افراد در هر سطحی بتوانند از آن بهره‌برداری کنند.

۲. انعطاف پذیری

این مدل می‌تواند در انواع شرایط و محیط‌ها مورد استفاده قرار گیرد. این مدل می‌تواند برای تحلیل یک فرد، یک پروژه، یک کسب و کار کوچک یا یک سازمان بزرگ استفاده شود. همچنین، می‌توان آن را برای تحلیل شرایط بازار، رقابت، محصولات، یا حتی خود سازمان به کار برد.

۳. ارزیابی جامع از وضعیت داخلی و خارجی

این مدل به سازمان‌ها و افراد کمک می‌کند تا به طور هم‌زمان، هم به عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و هم به عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) توجه کنند. این دیدگاه جامع، به تحلیل‌گران امکان می‌دهد تا تصویر کلی تری از وضعیت داشته باشند و به راحتی نقاط ضعف و قوت خود را در برابر فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی ارزیابی کنند.

۴. مناسب برای شروع فرآیند تحلیل راهبردی

مدل فوق ابزاری ایده‌آل برای شروع فرآیند تحلیل راهبردی است. به عنوان یک ابزار ابتدایی، این مدل می‌تواند نقاط اصلی را شناسایی کند و سپس بر اساس این تحلیل، به

مرحله‌ی بعدی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کمک‌کند. در واقع این مدل می‌تواند به عنوان نقطه‌ی شروعی برای فرآیندهای عمیق‌تر تحلیلی عمل کند.

۵. شناسایی سریع مشکلات و فرصت‌ها

به دلیل ساختار ساده، این مدل به سرعت به سازمان‌ها و افراد کمک می‌کند تا نقاط ضعف را شناسایی و فرصت‌ها را کشف کنند. این شناسایی سریع می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت و واکنش به تغییرات محیطی مؤثر باشد.

۶. تسهیل در تصمیم‌گیری

با جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات از هر چهار بخش (نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها)، این مدل به مدیران و تصمیم‌گیرندگان و افراد کمک می‌کند تا تصمیم‌های بهتر و آگاهانه‌تری بگیرند. این مدل با ارائه‌ی دیدگاهی متوازن و جامع، می‌تواند به افزایش موفقیت در تصمیم‌گیری کمک کند.

۷. قابلیت کاربرد در حوزه‌های مختلف

این مدل نه تنها در کسب‌وکارها، بلکه در حوزه‌های مختلف مانند آموزش، پروژه‌های شخصی، توسعه‌ی فردی، استراتژی‌های اجتماعی، دولتی و حتی سیاست‌گذاری قابل استفاده است. این گستردگی کاربرد، این مدل را به ابزاری چندمنظوره تبدیل کرده است.

۸. قابلیت ارزیابی پیشرفت

این مدل می‌تواند به عنوان یک ابزار برای ارزیابی پیشرفت مورد استفاده قرار گیرد. با بازبینی دوره‌ای و مقایسه با نتایج حاصل، می‌توان بررسی کرد که آیا سازمان یا افراد در مسیر درستی حرکت کرده و نقاط ضعف خود را کاهش داده یا فرصت‌ها را به درستی بهره‌برداری کرده است.

۹. ایجاد دیدگاه راهبردی

این مدل به سازمان‌ها، مدیران و افراد کمک می‌کند تا به دور از جزئیات و مشکلات روزمره، به صورت جامع‌تری به آینده و استراتژی‌های بلندمدت فکر کنند

(برایسون، ۱۳۷۲؛ دیوید، ۱۳۸۱).

۱) نتیجه آن که با استفاده از مدل SWOT، و علی‌رغم وجود مزایا و معایب آن می‌توان به طور نظام‌مند نقاط قوت و ضعف انسان از نگاه قرآن را شناسایی کرد و فرصت‌های موجود برای توسعه‌ی معنوی و اخلاقی او را بررسی کرد. همچنین، تهدیدهایی که ممکن است در مسیر این توسعه وجود داشته باشند، شناسایی می‌شوند. این تحلیل به ما کمک می‌کند تا با آگاهی از توانایی‌ها و چالش‌های انسانی، به سوی یک زندگی متعالی و متوازن در چارچوب آموزه‌های قرآنی حرکت کنیم.

دوم) دومین نکته‌ای که باید مد نظر قرار گیرد این است که وقتی پای تولید سند به میان می‌آید، نگارش آن الزاماتی دارد از جمله بیان:

الف) مقدمه: تعریف موضوع و اهمیت آن.

ب) مأموریت یا فلسفه‌ی وجودی: مأموریت یک سازمان (Mission Statement) عبارت است از توضیحی کوتاه و دقیق درباره‌ی هدف و دلایل وجودی سازمان. مأموریت یک سازمان، نشان می‌دهد که این سازمان چرا و برای چه هدفی به وجود آمده است و چه نقشی در جامعه یا بازار ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، مأموریت همان فلسفه‌ی وجودی یک سازمان است. در سند تعالی که محور آن انسان است از فلسفه‌ی وجودی انسان از نگاه قرآن سخن به میان آید.

ج) ارزش‌ها: ارزش‌های یک سازمان (Organizational Values) به اصول و باورهای بنیادی گفته می‌شود که رفتارها، تصمیمات و شیوه‌های عملکردی سازمان را هدایت می‌کنند. این ارزش‌ها به‌عنوان یک چارچوب اخلاقی و فرهنگی، نحوه‌ی تعامل اعضای سازمان با یکدیگر و با محیط بیرونی (مشتریان، شرکاء، جامعه و غیره) را تعیین می‌کنند. ارزش‌ها به‌طور کلی نشان‌دهنده‌ی «چه چیزی برای سازمان مهم است؟» و «چه اصولی باید رعایت شود؟»، هستند. در سند تعالی نیز ارزش‌های انسانی از منظر قرآن کریم بیان می‌شود.

د) تحلیل وضعیت موجود: نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها.

ه) راهبردها و سیاست‌ها: راهبردها و سیاست‌ها (Strategies and Policies) دو عنصر کلیدی در برنامه‌ریزی و هدایت سازمان‌ها هستند که برای تحقق اهداف سازمانی طراحی

می‌شوند. هر یک از این مفاهیم، ویژگی‌ها و کاربردهای خاص خود را دارند و به طور مکمل به موفقیت سازمان کمک می‌کنند. راهبردها به برنامه‌ها و طرح‌هایی اطلاق می‌شود که برای دستیابی به اهداف بلندمدت سازمان طراحی می‌شوند. راهبردها به طور کلی بیشتر بر تصمیم‌گیری‌های کلان و مسیرهای رشد سازمان تمرکز دارند و نحوه‌ی رسیدن به اهداف استراتژیک را توضیح می‌دهند. سیاست‌ها به مجموعه‌ی دستورالعمل‌ها، قوانین یا راهنماهایی گفته می‌شود که برای راهبری و تنظیم رفتارهای سازمانی و اطمینان از پیروی از اصول و ارزش‌ها طراحی شده‌اند. سیاست‌ها در واقع چارچوب‌های عملیاتی هستند که تصمیمات روزمره و عملیاتی را هدایت می‌کنند.

(و) برنامه عملیاتی: مراحل اجرایی، ابزارهای نظارت و ارزیابی.

(ز) پیوست‌ها: جداول آماری، منابع.

البته با توجه به ماهیت سند تعالی انسان که با سایر اسناد تفاوت دارد و نیز محدودیت حجم مقاله، نگارنده ناچار است تنها بخشی از این سند را ارائه دهد و بررسی کامل‌تر را به کتابی که در دست تدوین دارد موکول کند. لذا در این مقاله، تنها به مأموریت‌های انسان و برخی از ارزش‌های مطرح شده در قرآن پرداخته می‌شود و سپس نقاط قوت و ضعف انسان و همچنین فرصت‌ها و تهدیداتی که پیش روی او قرار دارد را مورد بررسی قرار می‌دهد.

زبان مشترک

یکی دیگر از مفاهیمی که باید آن را توضیح داد واژه‌ی «زبان مشترک» است. تحلیل توسعه و تعالی انسان از دیدگاه قرآن با استفاده از مدل SWOT می‌تواند برای غیرمسلمانان نیز جذاب و قابل درک باشد، به شرط آن که بر مفاهیم جهانی، اخلاقی و انسانی متمرکز باشد و زبان و رویکرد مناسبی برای توضیح مفاهیم به کار گرفته شود. این تحلیل می‌تواند به عنوان یک ابزار برای گفت‌وگوی بین فرهنگی و بین دینی نیز مورد استفاده قرار گیرد و به ایجاد پل‌های ارتباطی میان مسلمانان و غیرمسلمانان کمک کند.

برای برقراری ارتباط مؤثر با غیرمسلمانان در تحلیل موضوعاتی مانند توسعه و تعالی انسان از دیدگاه قرآن، استفاده از زبان مشترک امری بسیار مهم است. این به معنای استفاده از مفاهیم، اصطلاحات و رویکردهایی است که برای مخاطبان غیرمسلمان قابل فهم و قابل پذیرش باشد.

چگونگی استفاده از زبان مشترک

برخی از راهکارهایی که می‌توان برای زبان مشترک ایجاد کرد به شرح ذیل است:

۱- استفاده از مفاهیم جهانی و انسانی

بسیاری از مفاهیمی که در قرآن آمده‌اند، مفاهیم جهانی و انسانی هستند که در سایر ادیان و فرهنگ‌ها نیز حضور دارند. به جای تأکید صرف بر مفاهیم خاص اسلامی، می‌توان به مواردی چون اخلاق، عدالت، مسئولیت‌پذیری و رشد معنوی اشاره کرد که برای همگان آشنا و معنادار هستند. به‌عنوان مثال به جای استفاده از واژه‌هایی مثل «عبادت» که ممکن است برای غیرمسلمانان با معانی خاص دینی همراه باشد، می‌توان از مفاهیمی مانند «خودشناسی»، «رشد درونی» و «هدفمند» استفاده کرد.

۲- توضیح مفاهیم قرآنی با استفاده از مثال‌های بین‌فرهنگی

برخی از مفاهیم قرآنی ممکن است برای غیرمسلمانان پیچیده به نظر برسند یا درک آن‌ها دشوار باشد. در چنین مواردی، می‌توان از مفاهیم مشابه در دیگر ادیان یا فلسفه‌ها برای توضیح استفاده کرد. مثلاً مفهوم «توبه» در قرآن را می‌توان با مفاهیم مشابه در مسیحیت یا سایر ادیان مقایسه کرد و توضیح داد که چگونه ایده‌ی بازگشت به مسیر صحیح و اصلاح اشتباهات در همه‌ی فرهنگ‌ها و ادیان جایگاهی مهم دارد.

۳- تمرکز بر مسائل و چالش‌های انسانی مشترک

مسائل و چالش‌های انسانی مانند عدالت اجتماعی، مشکلات اخلاقی، معنای زندگی

و رنج، یا ارتباط با طبیعت و محیط زیست در همه‌ی جوامع و فرهنگ‌ها وجود دارند. قرآن نیز به این مسائل پرداخته است و می‌توان این موضوعات را با زبانی بیان کرد که برای همگان قابل فهم باشد. به‌عنوان نمونه در قرآن، انسان به‌عنوان موجودی مسئول در برابر مخلوقات خدا معرفی می‌شود (خلیفه الله). این مفهوم را می‌توان در چارچوب این مسئولیت‌ها توضیح داد که مفهومی جهانی است.

۴- تأکید بر ارزش‌های مشترک اخلاقی

ارزش‌هایی مانند صداقت، عدالت، همدلی، و مسئولیت‌پذیری در آموزه‌های قرآنی به روشنی بیان شده‌اند و در بسیاری از فرهنگ‌ها نیز مورد توجه هستند. تأکید بر این ارزش‌ها به برقراری ارتباط بهتر با غیرمسلمانان کمک می‌کند. مثلاً می‌توان به آیاتی از قرآن اشاره کرد که به کمک نیازمندان و اهمیت عدالت اجتماعی تأکید دارند و این مفاهیم را با مسائلی مانند برابری و حقوق بشر که در سطح جهانی مورد قبول است، مرتبط کرد.

۵- پرهیز از اصطلاحات تخصصی و دینی خاص

استفاده از اصطلاحات تخصصی و دینی که برای مخاطبان غیرمسلمان ناآشنا است، ممکن است باعث سردرگمی یا عدم ارتباط مؤثر شود. بهتر است از زبانی ساده و قابل فهم استفاده کرد و اصطلاحات خاص را با معانی گسترده‌تر و عمومی‌تر جایگزین کرد. به‌عنوان نمونه به جای اصطلاحاتی مانند «شریعت» یا «احکام دینی»، می‌توان به «قوانین اخلاقی» یا «اصول زندگی سالم» اشاره کرد که مفهومی قابل درک برای افراد غیرمسلمان است.

نتیجه آن که استفاده از زبان مشترک به معنای تطبیق مفاهیم دینی و قرآنی با چارچوب‌هایی است که برای همه‌ی انسان‌ها، فارغ از دین یا فرهنگ‌شان، قابل درک باشد. این کار باعث می‌شود تا مفاهیم عمیق قرآنی به‌عنوان منابعی برای رشد و توسعه‌ی انسانی، به صورت جهانی مطرح شده و برای مخاطبان بیشتری جذاب و مرتبط گردد.

حکمرانی اسلامی

حکمرانی اسلامی یکی از مفاهیم کلیدی است که نیاز به تعریف و تبیین دارد. به طور کلی، حکمرانی به معنای راهبری، جهت‌دهی، قاعده‌گذاری، هدایت و طراحی سازوکارها برای برپایی اهداف مورد نظر است؛ خواه این اهداف اقامه لیبرالیسم باشد یا تحقق آموزه‌های اسلام؛ بنابراین، مفهوم حکمرانی در این معنا محدود به حکومت نیست و حتی الزاماً با حکومت هم‌پوشانی ندارد. حکمرانی می‌تواند در شرایطی رخ دهد که دولت هیچ‌گونه حضوری ندارد و نقشی ایفا نمی‌کند؛ همچنین، گاهی می‌توان از حکمرانی‌هایی سخن گفت که علیه یک دولت شکل می‌گیرد. براین اساس، حکمرانی اسلامی به معنای راهبری قدرت در چارچوب آموزه‌های الهی و دینی، از مبدأ تا مقصد، با هدف تحقق مقاصد اسلامی و عمل صالح است (لکنزایی، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۳). در این نوع حکمرانی، جهت‌دهی و مدیریت جامعه بر مبنای اصول و ارزش‌های اسلامی انجام می‌شود تا زمینه‌ی تحقق رشد معنوی و مادی انسان فراهم شود و جامعه در مسیر قرب الهی گام بردارد.

روش تفسیری

روش تفسیری که در این نگاشته به کار گرفته شده، روش اجتهادی است. این روش بر پایه‌ی استدلال، تحلیل و بهره‌گیری از منابع معتبر و اصول علمی و منطقی به تفسیر آیات قرآن می‌پردازد. در روش اجتهادی، مفسر تلاش می‌کند با استفاده از قواعد اجتهادی و علوم مرتبط با تفسیر، معنای دقیق و مقصود اصلی آیات قرآن را کشف کند. این روش مبتنی بر اصولی است که شامل قرآن، سنت، عقل و اجماع می‌شود. در این رویکرد:

۱- تفسیر قرآن به قرآن: یکی از مبانی اصلی است. مفسر تلاش می‌کند ارتباط درونی آیات و معانی مرتبط میان آن‌ها را کشف کرده و از خود قرآن برای فهم آیات استفاده کند.

۲- سنت پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام: به‌عنوان منابعی معتبر برای تبیین و توضیح

آیات قرآن به کار گرفته می‌شود. این سنت شامل احادیث و روایاتی است که به فهم عمیق‌تر معانی قرآنی کمک می‌کند.

۳- عقل: نیز به‌عنوان ابزاری در کنار نقل برای فهم و تحلیل آیات مورد استفاده قرار می‌گیرد. مفسر اجتهادی با استناد به قواعد منطقی و بهره‌گیری از استدلال عقلی، به معنای صحیح و دقیق آیات دست می‌یابد.

این روش با نگاه جامع و تحلیلی، معنای آیات را در پرتو منابع و اصول گوناگون بررسی می‌کند تا فهمی عمیق‌تر و دقیق‌تر از کلام الهی ارائه دهد. در هر صورت خروجی سند ما حاصل این روش است.

سند تعالی انسان از دیدگاه قرآن

پس از تبیین مفاهیم، نوبت ارایه‌ی سند تعالی با ملاحظه‌ی رعایت اختصار در مقاله و ذکر حداکثر ۱۰ مورد در هر بند همراه با زبان قابل فهم جهانی است.

مأموریت‌های انسان از دیدگاه قرآن (فلسفه‌ی وجودی انسان)

- ۱- عبادت و بندگی خدا برای شناخت و تقرب به او^۱
هدف اصلی آفرینش انسان در قرآن، بندگی خداوند است که شامل عبادت، شناخت و تقرب به ذات الهی می‌شود.
- ۲- خلافت و آبادانی زمین به عنوان جانشین خداوند^۲
انسان به عنوان خلیفه‌ی خداوند در زمین، مأمور آبادانی و مدیریت آن در چارچوب اراده‌ی الهی است.

۱. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ «و من جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند» (ذاریات، ۵۶).
۲. «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»؛ «و هنگامی که پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی قرار خواهم داد» (بقره، ۳۰).
«هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»؛ «اوست که شما را از زمین آفرید و آبادانی آن را به شما واگذار کرد» (هود، ۶۱).

۳- ایجاد عدالت به عنوان یک هدف بنیادین^۱
برپایی عدالت اجتماعی یکی از اهداف مهم الهی و مأموریت‌های انسان در جامعه است.

مأموریت (فلسفه‌ی وجودی) انسان از نگاه قرآن به زبان مشترک جهانی

زندگی انسان در این جهان با مأموریتی عمیق و جهانی آمیخته شده است که به او معنا و جهت می‌بخشد. نخستین هدف، جست‌وجوی معنای زندگی و برقراری ارتباط با حقیقت نهایی است. انسان در این مسیر به شناخت خویشتن و پیوند با منبع اصلی وجود دست می‌یابد. این ارتباط نه تنها در عبادت و مراقبه، بلکه در هر عمل خالصانه‌ای که انسان را به سوی تعالی سوق دهد، متجلی می‌شود.

در کنار این بُعد معنوی، انسان وظیفه دارد از جهانی که در آن زندگی می‌کند، مراقبت کند. ما همگی مسئول حفاظت از زمین، بهره‌برداری عادلانه از منابع آن، تلاش برای آبادانی و توسعه‌ای پایدار هستیم. این مأموریت، نه تنها پاسخی به نیازهای امروز، بلکه امانتی برای نسل‌های آینده است.

سرانجام، مأموریت انسان در این است که جامعه‌ای عادلانه و هم‌دلانه بسازد؛ جامعه‌ای که در آن عدالت اجتماعی برقرار باشد، کرامت انسانی حفظ شود و همزیستی مسالمت‌آمیز میان تمام افراد امکان‌پذیر گردد. این مأموریت تنها با هم‌دلی، هم‌کاری، و تلاش برای رفع ظلم و بی‌عدالتی به ثمر می‌رسد.

این سه مأموریت، فراتر از مرزهای فرهنگی و دینی، به همه‌ی انسان‌ها پیام می‌دهد که هدف زندگی چیزی فراتر از نیازهای مادی است: شناخت معنای زندگی، مراقبت از جهان، و ایجاد جامعه‌ای عادلانه. در واقع در کنار یکدیگر چشم‌اندازی برای زندگی ارائه می‌دهند که در آن معنا، مسئولیت و عدالت به صورت هماهنگ جریان دارند.

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ «به یقین، ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند. برای بیان مأموریت انسان به زبانی جهانی و قابل فهم برای همه، می‌توان این سه مأموریت را به صورت زیر ساده و قابل ارتباط بیان کرد» (حدید، ۲۵).

ارزش‌های انسانی از دیدگاه قرآن

- ۱- انفاق زیاد کردن^۱
انسان‌ها باید از آنچه اضافی دارند انفاق کنند و در راه خدا به دیگران کمک نمایند.
- ۲- گذشت کردن^۲
گذشت و چشم‌پوشی از اشتباهات دیگران، انسان را به تقوا نزدیک‌تر می‌کند.
- ۳- ایستادگی برای خدا^۳
باید برای خدا ایستادگی و فرمانبرداری کرد.
- ۴- شهادت بر حق^۴
پنهان نکردن شهادت و بیان حقایق از وظایف انسانی است.
- ۵- وفای به عهد^۵
وفای به عهد، از ارزش‌های والای انسانی است و خداوند بر آن تأکید دارد.
- ۶- صبر در امور^۶
صبر و ایستادگی در برابر سختی‌ها از ویژگی‌های انسان مؤمن است.
- ۷- تعاون بر بَرّ و نیکی^۷
همکاری و یاری یکدیگر در کارهای نیکو و تقوا از ارزش‌های انسانی است.

-
۱. «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْغَيْرُ»؛ «از تو می‌پرسند چه چیزی انفاق کنند، بگو: آنچه که اضافی است» (بقره، ۲۱۹).
 ۲. «وَ أَنْ تَعْقُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»؛ «و اگر گذشت کنید، این به تقوا نزدیک‌تر است» (بقره، ۲۳۷).
 ۳. «وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»؛ «و برای خدا ایستاده و فرمانبردار باشید» (بقره، ۲۳۸).
 ۴. «وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتِمٌ قَلْبُهُ»؛ «و شهادت را پنهان نکنید، زیرا کسی که آن را پنهان کند، قلبش گناهکار است» (بقره، ۲۸۳).
 ۵. «وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»؛ «و به عهد وفا کنید که قطعاً از عهد سؤال خواهد شد» (اسراء، ۳۴).
 ۶. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَاطِبُوا»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید صبر کنید و (در برابر سختی‌ها) ایستادگی کنید، و مرزها را نگهبانی کنید» (آل عمران، ۲۰۰).
 ۷. «وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى»؛ «و در کارهای نیکو و تقوا همکاری کنید» (مائده، ۲).

۸- عدالت ورزیدن^۱

رعایت عدالت در داوری و امور اجتماعی، وظیفه‌ای الهی است.

۹- مجاهدت در راه خدا^۲

جهاد در راه خدا و عمل صالح از بالاترین مراتب ایمان است.

۱۰- اعتدال در رفتار^۳

این ارزش‌ها و فرصت‌ها، که قرآن به آن‌ها اشاره کرده است، در زبان و اصول انسانی ساده بیان شده‌اند و برای همه‌ی انسان‌ها قابل درک هستند. هر فرد از هر فرهنگی و مذهبی می‌تواند این مفاهیم را درک کرده و به آن‌ها عمل کند. این مفاهیم به ما یادآوری می‌کنند که باید زندگی خود را با اصول اخلاقی و انسانی بسازیم و از فرصت‌هایی که در اختیار داریم بهره‌برداری کنیم.

ارزش‌های انسانی به زبان مشترک جهانی

زندگی فرصتی استثنایی برای رشد و تعالی اخلاقی و انسانی است. یکی از ارزش‌های کلیدی، روحیه‌ی سخاوت و کمک به دیگران است. انسان‌ها تشویق می‌شوند تا از مازاد نعمت‌ها و امکانات خود برای یاری رساندن به نیازمندان استفاده کنند. این کمک می‌تواند در قالب مالی، زمانی یا حتی حمایت عاطفی باشد تا جامعه‌ای سالم‌تر و همدل‌تر شکل گیرد. انفاق از آنچه اضافی است، زندگی خود و دیگران را غنی‌تر می‌سازد.

گذشت و بخشش، یکی دیگر از ارزش‌های اساسی است. در مواجهه با اشتباهات

۱. «وَ إِذَا حُكِمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»؛ «و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید» (نساء، ۵۸).

۲. «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ مِنْ دَرَجَةِ عِبَادِ اللَّهِ»؛ «بی‌گمان کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا جهاد کردند به مال و جان‌شان نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند» (توبه، ۲۰).

۳. «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا»؛ «و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تا ملامت شده و حسرت‌زده بر جای مانی» (اسراء، ۲۹).

دیگران، به جای نگه داشتن کینه و نفرت، باید گذشت کرد و مسیر را برای دوستی و آشتی باز نمود. این رفتار، هم فرد و هم جامعه را از بند دشمنی‌ها آزاد می‌کند و روابطی عمیق‌تر و مستحکم‌تر را پایه‌ریزی می‌کند. گذشت، نه تنها به تقوا نزدیک‌تر است، بلکه نشانه‌ای از انسانیت و بزرگواری است.

بی تفاوت نبودن در برابر ناعدالتی‌ها و ایستادگی در برابر ظلم، از ویژگی‌های برجسته‌ای است که هر فرد باید در خود تقویت کند. تلاش برای برقراری عدالت، علاوه بر کمک به دیگران، جامعه را نیز به سمت صلح و آرامش سوق می‌دهد. رعایت عدالت در داوری و رفتار، تضمین‌کننده‌ی توازن و انسجام اجتماعی است.

پایبندی به تعهدات، از دیگر اصول مهم است. احترام به عهد و وفای به وعده‌ها، پایه‌ای برای اعتماد در روابط انسانی است و از سوء تفاهم‌ها و درگیری‌ها جلوگیری می‌کند. تعهدات، مسئولیتی هستند که باید به آن وفادار بود. این پایبندی، نشانه‌ای از صداقت و اخلاق‌مداری است که روابط انسانی را تقویت می‌کند.

صبر و استقامت در برابر مشکلات و چالش‌های زندگی، از دیگر ارزش‌های برجسته است. انسان‌ها در مسیر زندگی با موانع و سختی‌ها روبه‌رو می‌شوند، اما با صبر و پایداری می‌توانند این مشکلات را پشت سر گذاشته و رشد کنند. ایستادگی در برابر سختی‌ها به انسان کمک می‌کند تا قدرت درونی خود را تقویت کرده و به زندگی معنا ببخشد.

همکاری و حمایت از یکدیگر در کارهای خیر و پرهیز از کارهای ناشایست، از دیگر ارزش‌های مشترک انسانی است. با یاری یکدیگر، می‌توان جامعه‌ای منسجم‌تر و اخلاقی‌تر ساخت. همکاری در مسیر نیکی و تقوا، پایه‌گذار جامعه‌ای پایدار و همدل است که در آن افراد در کنار هم رشد می‌کنند.

تلاش و مجاهدت در مسیر حق و نیکی، می‌تواند در قالب‌های مختلفی همچون کمک به دیگران، مقابله با ظلم یا تلاش برای پیشرفت اخلاقی و اجتماعی باشد. کسانی که در این مسیر، با مال و جان خود تلاش می‌کنند، مقام والایی دارند. این جهاد، راهی برای ایجاد تغییرات مثبت و پایدار در جامعه است.

در نهایت، رعایت اعتدال در همه امور زندگی، از اصول اساسی است. افراط و تفریط، همواره به انسان آسیب می‌رساند. میان‌روی در رفتارها، چه در مصرف و چه در روابط اجتماعی، انسان را از حسرت و پشیمانی دور می‌کند و به او کمک می‌کند تا زندگی متعادلی داشته باشد. این اعتدال، کلید خوشبختی و آرامش است و به انسان کمک می‌کند تا از زندگی بهره‌مند شود و جامعه‌ای هماهنگ و سازنده را شکل دهد.

این ارزش‌ها به انسان یادآوری می‌کنند که زندگی فرصتی برای خدمت به خداوند، خود و دیگران است. هر انسانی، فارغ از دین و فرهنگ، می‌تواند این اصول را درک کند و آنها را به کار گیرد. این ارزش‌ها، پلی برای اتحاد و همزیستی مسالمت‌آمیز در میان تمام بشریت است و نشان می‌دهد که چطور می‌توان دنیایی بهتر و انسانی‌تر ساخت.

ضد ارزش‌ها از دیدگاه قرآن

- ۱- تبعیت کورکورانه (عدم تفکر و اندیشه)^۱
 پیروی از سنت‌ها و باورهای غلط گذشتگان، بدون اندیشه و تفکر.
- ۲- عهد شکنی (نقض پیمان)^۲
 شکستن عهد و پیمان الهی و عمل نکردن به تعهدات.
- ۳- استکبار ورزیدن (تکبر و خودبزرگ‌بینی)^۳
 رفتار متکبرانه و خودبزرگ‌بینی در برابر دیگران.

۱. «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا الْفِينَا عَلَيْهِ آبَاءُنَا»؛ «او هنگامی که به آنان گفته می‌شود از آنچه که خداوند نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند: نه، ما فقط از آنچه که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم» (بقره، ۱۷۰).

۲. «وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»؛ «آنان که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خدا فرمان داده که پیوند شود، می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند، لعنت بر آنان است و برایشان بدی سرای (آخرت) خواهد بود» (رعد، ۲۵).

۳. «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا»؛ «و صورت خود را از مردم گردان و در زمین به تکبر راه مرو» (لقمان، ۱۸).

- ۴- بخل (حرص بر مال و انفاق نکردن در راه خدا)^۱
جمع آوری مال و خودداری از انفاق آن در راه خدا.
- ۵- خوردن اموال به باطل (غصب و دزدی)^۲
استفاده غیرمشروع از اموال دیگران و خیانت به حقوق آن‌ها.
- ۶- تبعیت کورکورانه^۳
- ۷- تبعیت از شهوات (عمل به هوس‌ها و خواهش‌های نفس)^۴
پیروی از خواهش‌های نفسانی که موجب گمراهی از راه خدا می‌شود.
- ۸- کم‌فروشی (تقلب در معاملات)^۵
رفتار نادرست در معاملات و فریب‌دادن دیگران.
- ۹- تعرض به مال یتیم (غصب مال یتیم)^۶
تجاوز به اموال یتیمان و خیانت به حقوق آن‌ها.

۱. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَ فِيهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»؛ «کسانی که طلا و نقره جمع می‌کنند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به آنان مژده عذاب دردناک بده» (توبه، ۳۴).
۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به ناحق مخورید، مگر آنکه تجارتي باشد که با رضایت شما انجام گیرد، و خودتان را نکشید؛ به راستی که خداوند نسبت به شما مهربان است» (نساء، ۲۹).
۳. «قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَّمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا دَارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَادِهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتَيْنَهُمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ «خداوند! می‌فرماید: «همراه با گروه‌هایی از جن و انس که پیش از شما بودند، وارد آتش شوید!» هرگاه گروهی وارد [دوزخ] شود، گروه دیگر را لعنت می‌کند، تا زمانی که همگی در آنجا گرد آیند، گروه آخر می‌گوید: «پروردگارا! این‌ها ما را گمراه کردند؛ پس کیفرشان را دو چندان از آتش بده.» [خدا] می‌فرماید: «برای هر یک [از شما] عذابی دو چندان است، ولی نمی‌دانید» (اعراف، ۳۸).
۴. «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ»؛ «اما کسی که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوس بازدارد، قطعاً جایگاه او بهشت است» (نازعات، ۴۰-۴۱).
۵. «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَرَبُّوهُ بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»؛ «و چون پیمان‌ه می‌کنید، پیمان‌ه را تمام دهید و با ترازو و میزان درست بسنجید. این [رفتار] بهتر و خوش‌عاقبت‌تر است» (اسراء، ۳۵).
۶. «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا»؛ «کسانی که اموال یتیمان را به ظلم می‌خورند، در حقیقت آتش در شکم خود فرو می‌برند و به زودی در آتش سوزان درآیند» (نساء، ۱۰).

۱۰- سخن بیهوده (گفتار نادرست و بی هدف)^۱

گفتارهای بی هدف و بی ارزش که فایده‌ای ندارد.

این مفاهیم به گونه‌ای بیان شده‌اند که تمام بشریت می‌تواند آن‌ها را درک کند، زیرا این اصول بر مبنای اخلاقیات جهانی و ارزش‌های انسانی قرار دارند که در تمام فرهنگ‌ها و جوامع قابل فهم و پذیرش هستند.

ضد ارزش‌های انسانی از نگاه قرآن به زبان مشترک جهانی

زندگی انسانی گاهی با رفتارهایی همراه می‌شود که به فرد و جامعه آسیب می‌رساند و مانع رشد اخلاقی و اجتماعی می‌شود. یکی از این رفتارها، پیروی کورکورانه از سنت‌ها و عاداتی است که بدون تفکر و اندیشه انجام می‌شود. تقلید بی‌چون و چرا از گذشتگان، انسان را از پذیرش حقیقت و پیشرفت باز می‌دارد و مانع بهره‌برداری از ظرفیت‌های انسانی می‌شود.

نقض عهد و پیمان‌ها نیز از رفتارهایی است که پایه‌های اعتماد در روابط انسانی را متزلزل می‌کند. شکستن وعده‌ها و نادیده گرفتن تعهدات، به گسترش بی‌اعتمادی در جامعه می‌انجامد و انسجام روابط انسانی را از بین می‌برد. احترام به تعهدات، یکی از اصول کلیدی برای ایجاد روابط سالم و پایدار است.

تکبر و خودبزرگی‌بینی، از رفتارهایی است که نه تنها فرد را از یادگیری و رشد باز می‌دارد، بلکه روابط انسانی را نیز تضعیف می‌کند. غرور و نگاه تحقیرآمیز به دیگران، مانع ایجاد همدلی و ارتباطات سالم می‌شود. تواضع و احترام متقابل، راهی برای مقابله با این رفتار ناپسند و تقویت روابط انسانی است.

بخل و خودداری از انفاق در راه نیازمندان، جامعه را به سوی بی‌عدالتی و نابرابری سوق می‌دهد. جمع کردن مال و امتناع از کمک به دیگران، همبستگی اجتماعی را

۱. «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»؛ «و آنان که از سخن بیهوده روی گردانند» (مؤمنون، ۳).

کاهش داده و فاصله‌ها را میان افراد بیشتر می‌کند. سخاوت و بخشندگی، ارزش‌هایی هستند که به انسجام اجتماعی و بهبود زندگی کمک می‌کنند.

تجاوز به حقوق دیگران، از جمله تصاحب ناعادلانه اموال، از رفتارهایی است که روابط انسانی را مختل می‌کند. ظلم به یتیمان و سوءاستفاده از ضعف آنان، از نشانه‌های بی‌عدالتی است. رعایت انصاف و حمایت از حقوق افراد آسیب‌پذیر، یکی از اصول اساسی برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه است.

پیروی از شهوات و خواهش‌های نفس، انسان را از مسیر درست زندگی دور می‌کند. کنترل خواسته‌های نفسانی و تصمیم‌گیری عاقلانه، زندگی را به سوی تعالی هدایت می‌کند. هوس‌رانی و غفلت از ارزش‌های اخلاقی، مانع پیشرفت فردی و اجتماعی می‌شود. تقلب در معاملات، مانند کم‌فروشی و فریب دیگران، اعتماد را در جامعه از بین می‌برد. صداقت در تجارت و رعایت حقوق دیگران، روابط اقتصادی را تقویت کرده و به ایجاد جامعه‌ای سالم و اخلاق‌مدار کمک می‌کند.

سخن بیهوده و گفتار نادرست، روابط انسانی را تخریب کرده و به بی‌اعتمادی میان افراد منجر می‌شود. زبان، ابزاری برای گسترش حقیقت و ایجاد ارتباطات سالم است. استفاده نادرست از این ابزار، باعث سوء تفاهم و از بین رفتن همبستگی میان انسان‌ها می‌شود.

این آموزه‌ها و هشدارها، به گونه‌ای بیان شده‌اند که همه انسان‌ها می‌توانند آن‌ها را درک کنند. قرآن، این ضد ارزش‌ها را بر مبنای اصول اخلاقی جهانی و ارزش‌های انسانی تبیین می‌کند که در تمام فرهنگ‌ها و جوامع قابل فهم و پذیرش هستند. این پیام‌ها، مسیری مشخص برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه، همدل و اخلاق‌مدار ارائه می‌دهند و انسان‌ها را به سوی تعالی و پیشرفت هدایت می‌کنند.

این ضد ارزش‌ها، اگرچه ممکن است در جوامع مختلف به شکل‌های متفاوتی دیده شوند، اما در همه فرهنگ‌ها به عنوان رفتارهای ناپسند شناخته می‌شوند. مقابله با این رفتارها، گامی اساسی برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه، اخلاقی و همدلانه است. همه‌ی ما می‌توانیم با آگاهی و تلاش، به سمت ساختن دنیایی بهتر حرکت کنیم.

نقاط قوت انسان از دیدگاه قرآن

- ۱- عقل و خرد^۱
انسان از عقل و خرد برای فهم و درک مسائل برخوردار است.
- ۲- عاطفه و محبت^۲
انسان از عاطفه و محبت نسبت به دیگران برخوردار است.
- ۳- قدرت بیان و سخن گفتن^۳
انسان توانایی بیان و سخن گفتن را دارد که یکی از برترین نعمت‌های الهی است.
- ۴- حواس پنج‌گانه^۴
انسان از حواس پنج‌گانه برای شناخت و تعامل با جهان برخوردار است.
- ۵- اراده و اختیار^۵
انسان توانایی انتخاب دارد و می‌تواند مسیر ایمان یا کفر را بر اساس اختیار خود برگزیند.
- ۶- تشخیص خیر و شر^۶
خداوند توانایی تشخیص بدی‌ها و خوبی‌ها را به انسان عطا کرده است.
- ۷- فطرت پاک و خدادادی^۷
انسان با سرشتی توحیدی و پاک آفریده شده که او را به سوی خداوند هدایت می‌کند.

-
۱. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»؛ «به راستی در آفرینش آسمان‌ها و زمین... نشانه‌هایی است برای خردمندان» (آل عمران، ۱۹۰).
 ۲. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»؛ «به راستی کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خدای رحمان برای آنان محبتی [در دل دیگران] قرار خواهد داد» (مریم، ۹۶).
 ۳. «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»؛ «خداوند [به انسان سخن گفتن آموخت» (رحمن، ۴).
 ۴. «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ... وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ»؛ «و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد... و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد [تا بشنوید و ببینید» (نحل، ۷۸).
 ۵. «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ»؛ «هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد و هر کس می‌خواهد کفر ورزد (اختیار با اوست)» (کهف، ۲۹).
 ۶. «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»؛ «سپس [انسان را] به بدی‌ها و خوبی‌هایش آگاه ساخت» (شمس، ۸).
 ۷. «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»؛ «[این] سرشت الهی است که خداوند، انسان‌ها را بر اساس آن آفریده است» (روم، ۳۰).

۸- توانایی علمی و جسمی^۱

انسان از ظرفیت علمی و جسمانی برای انجام وظایف و مسئولیت‌های بزرگ برخوردار است.

۹- دوران اوج جوانی و قدرت در زندگی^۲

انسان از دوره‌ای از زندگی که اوج قدرت و توانایی است بهره‌مند می‌شود.

۱۰- کرامت و شرافت ذاتی انسان^۳

انسان به دلیل خلقت خاص خود دارای کرامت و شرافت ذاتی است که او را از بسیاری از مخلوقات دیگر برتر می‌سازد.

نقاط قوت انسان از دیدگاه قرآن به زبان مشترک جهانی

انسان موجودی استثنایی با توانایی‌های خارق‌العاده است. او قدرت تفکر و خردورزی دارد، می‌تواند مسائل پیچیده را تحلیل کند، از تجربیات خود درس بگیرد و برای آینده برنامه‌ریزی کند. همچنین، انسان از احساس محبت و همدلی برخوردار است. این ویژگی او را قادر می‌سازد تا با دیگران ارتباط احساسی برقرار کند، عشق بورزد و دنیای اطراف خود را به مکانی پر از مهر و دوستی تبدیل کند.

یکی از ویژگی‌های برجسته انسان، توانایی او در برقراری ارتباط و بیان افکار و احساساتش است. او می‌تواند از طریق زبان، ایده‌ها و دانش خود را منتقل کند و روابط اجتماعی بسازد. انسان با حواس خود، مانند بینایی، شنوایی و بویایی، دنیای اطرافش را

۱. «قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ»؛ «پیامبرشان [گفت: خداوند او [طالوت] را بر شما برتری داده و او را در علم و [قدرت] جسم وسعت بخشیده است» (بقره، ۲۴۷).

۲. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً»؛ «خداوند کسی است که شما را در حالی از ضعف آفرید، سپس بعد از ضعف، قوت و توانایی بخشید» (روم، ۵۴).

۳. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَبْرِ وَالْبَحْرِ»؛ «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] حمل کردیم...» (اسراء، ۷۰).

تجربه می‌کند و از آن می‌آموزد. این ارتباط نزدیک با طبیعت و محیط، به او کمک می‌کند که جهان را بهتر درک کند.

آزادی اراده و قدرت انتخاب، یکی دیگر از نقاط قوت انسان است. او توانایی تصمیم‌گیری دارد و می‌تواند مسیر زندگی خود را بر اساس ارزش‌ها و اهدافش تعیین کند. این آزادی به او امکان می‌دهد که مسئولیت انتخاب‌های خود را بپذیرد و با آگاهی در مسیر درست گام بردارد. علاوه بر این، انسان به‌طور ذاتی می‌تواند بین خیر و شر تمایز قائل شود و درک کند که چه چیزی درست یا نادرست است. این قدرت اخلاقی، او را به موجودی مسئول و متعهد تبدیل می‌کند.

انسان با سرشتی پاک و گرایش به ارزش‌های والای انسانی متولد می‌شود. تمایل به حقیقت، عدالت و خوبی در ذات او نهفته است. این سرشت الهام‌بخش، به او کمک می‌کند تا در زندگی به اصول اخلاقی و معنوی پایبند بماند و برای بهبود جهان تلاش کند. علاوه بر این، توانایی یادگیری و رشد، او را قادر می‌سازد تا دانش و مهارت‌های خود را ارتقا دهد، ابزار بسازد، مشکلات را حل کند و جامعه را پیشرفت دهد.

انسان در دوران جوانی و میانسالی به اوج قدرت جسمی و ذهنی خود می‌رسد. این دوران شکوفایی به او فرصت می‌دهد تا توانایی‌های خود را برای ساختن آینده‌ای بهتر به کار گیرد. مهم‌تر از همه، انسان دارای کرامت و ارزش ذاتی است. هر انسانی، صرف‌نظر از موقعیت یا شرایطش، شایسته‌ی احترام، آزادی و زندگی با عزت است. این کرامت ذاتی، انسان را از بسیاری از مخلوقات دیگر متمایز می‌کند و به او جایگاهی ویژه در جهان می‌بخشد.

این توانایی‌ها و ویژگی‌ها نشان می‌دهند که انسان موجودی ارزشمند است که می‌تواند با استفاده از قدرت‌های درونی خود، زندگی‌ای هدف‌مند بسازد، به دیگران کمک کند و دنیا را به مکانی بهتر برای همه تبدیل کند.

نقاط ضعف انسان از منظر قرآن

- ۱- عجله و شتاب‌زدگی^۱
انسان در طلب خواسته‌های خود عجلول است و در انتخاب‌هایش نیز عجله می‌کند.
 - ۲- فراموش کاری^۲
انسان در یادآوری پیمان‌ها و سایر امور فراموش کار است.
 - ۳- ضعف در خلقت^۳
انسان یکی از ضعیف‌ترین موجودات الهی است.
 - ۴- غرور و خودبینی^۴
خودبزرگ‌بینی و تکبر در برخورد با دیگران از نقاط ضعف انسانی است.
 - ۵- حریص بودن^۵
یکی از نقاط ضعف انسان حرص اوست.
 - ۶- ظاهرین بودن^۶
انسان به جنبه‌های سطحی و مادی زندگی دنیا توجه می‌کند و از آخرت غافل است.
-
۱. «وَيَذُوعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا»؛ «و انسان بدی را می‌طلبد همچنان که نیکی را می‌طلبد و انسان شتاب‌زده است» (اسراء، ۱۱).
 ۲. «وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا»؛ «و به راستی پیش از این از آدم پیمان گرفتیم، ولی فراموش کرد و برای او عزمی نیافتیم» (طه، ۱۱۵).
 ۳. «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا»؛ «خداوند می‌خواهد کار شما را سبک کند، زیرا انسان ضعیف آفریده شده است» (نساء، ۲۸).
 ۴. «وَلَا تُضَعَّرْ حَدَكُ لِلنَّاسِ وَلَا تُمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»؛ «و با تکبر روی خود را از مردم برنگردان و در زمین با ناز و تکبر راه مرو؛ چرا که خداوند هیچ خودبین متکبر را دوست ندارد» (لقمان، ۱۸).
 ۵. «إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِيقٌ هَلُوعًا»؛ «انسان حریص و بی‌تاب آفریده شده است؛ هنگامی که شر به او برسد، بی‌تابی می‌کند؛ و هنگامی که خیر و خوبی به او برسد، بخل می‌ورزد» (معاوج، ۱۹).
 ۶. «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»؛ «آنها تنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت غافل‌اند» (روم، ۷).

۷- مجادله گر بودن^۱

در روابط با دیگران بسیار اهل جدل است.

۸- فراموشی عهد و پیمان^۲

انسان پس از رفع مشکلات و گرفتاری‌ها، نعمت‌های خدا را فراموش می‌کند.

۹- بخیل بودن^۳

یکی دیگر از ضعف‌های انسان، بازدارندگی و بخل اوست.

۱۰- ضعف در پای‌بندی به عهد و پیمان^۴

انسان گاهی عهدهای الهی را می‌شکند و باعث فساد در زمین می‌شود.

نقاط ضعف انسان به زبان مشترک جهانی

انسان در کنار توانایی‌ها و ظرفیت‌های بی‌نهایت خود، دارای نقاط ضعفی است که می‌تواند مانع رشد و کمال او شود. یکی از این ضعف‌ها، عجله و شتاب‌زدگی در تصمیم‌گیری است. بسیاری از افراد تمایل دارند نتایج فوری به دست آورند و بدون تأمل کافی درباره‌ی پیامدهای اقدامات خود عمل می‌کنند. این ویژگی می‌تواند به تصمیمات ناپخته و از دست دادن فرصت‌های ارزشمند منجر شود.

فراموش کاری نیز یکی دیگر از ضعف‌های انسانی است. افراد گاهی تعهدات، دستاوردها یا شکست‌های گذشته‌ی خود را فراموش می‌کنند و همین امر موجب می‌شود که از تجربیاتشان درس نگیرند. ناتوانی در تمرکز بر اهداف بلندمدت و ضعف

۱. «وَلَقَدْ صَوَّفْنَا فِي هَذَا الْقَوْمِ الْبَاطِنَ مِنَ الْإِنْسَانِ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»؛ و در این قرآن برای مردم از

هر گونه مثلی بیان کردیم، و انسان بیش از هر چیز [به مجادله] جدال‌گر است» (کهف، ۵۴).

۲. «وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَقُولَ لَهُ قَسَبٌ وَلَا عِزْمًا»؛ «او به راستی، پیش از این با آدم پیمان بستیم، اما او فراموش کرد و برای او عزم و استقامتی نیافتیم» (طه، ۱۱۵).

۳. «وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا»؛ و چون خیری به او رسد، بخل ورزد» (معرج، ۲۱).

۴. «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ «کسانی که عهد خدا را پس از پیمان آن می‌شکنند و آنچه را که خداوند به وصل آن فرمان داده است، قطع می‌کنند و در زمین فساد می‌کنند، ایشان زیانکارانند» (بقره، ۲۷).

در یادآوری پیمان‌ها و تعهدات، از جمله عواملی است که می‌تواند مسیر رشد انسان را مختل کند.

حرص و طمع، یکی دیگر از ضعف‌های رایج است. تمایل بی‌پایان به ثروت، قدرت و مقام، انسان را به رفتارهایی سوق می‌دهد که ممکن است به خود و جامعه آسیب برساند. این حرص گاهی با بخل و خودداری از انفاق همراه می‌شود که مانع از ایجاد جامعه‌ای عادلانه و همدل می‌گردد.

خودبینی و غرور نیز از نقاط ضعف اساسی انسان است. موفقیت‌های فردی گاهی بهانه‌ای برای برتر دیدن خود نسبت به دیگران می‌شود. این رفتار، تعامل سازنده و روابط انسانی سالم را دشوار می‌کند و به جدایی و بیگانگی میان افراد دامن می‌زند.

توجه بیش از حد به ظواهر و سطحی‌نگری نیز از ضعف‌هایی است که انسان را از اهداف واقعی و ارزش‌های عمیق زندگی دور می‌کند. تمرکز بر مسائل زودگذر و مادی، باعث می‌شود معنای اصلی زندگی نادیده گرفته شود. این سطحی‌نگری اغلب با غفلت از آخرت و اهداف بلندمدت همراه است.

ضعف در مدیریت تمایلات نفسانی، انسان را به سوی تصمیماتی می‌کشاند که می‌تواند به سلامت روانی، اخلاقی و اجتماعی او آسیب بزند. تسلیم‌شدن در برابر خواسته‌های زودگذر، اغلب انسان را از مسیر درست زندگی منحرف می‌کند.

کم‌صبری در برابر مشکلات و ناکامی‌ها، از دیگر ضعف‌های انسان است. افراد معمولاً در برابر سختی‌ها، دچار اضطراب یا ناامیدی می‌شوند و این اضطراب توانایی آن‌ها را در حل مسأله و تصمیم‌گیری منطقی کاهش می‌دهد. این کم‌صبری ممکن است به رفتارهایی عجولانه و ناسنجیده منجر شود که هم به خود و هم به دیگران آسیب می‌رساند.

همچنین، ضعف در حفظ تعهدات و عهدهایی که بسته‌اند، یکی دیگر از مشکلات انسانی است. افراد گاهی پس از رفع مشکلات یا مواجهه با سختی‌های جدید، پیمان‌های خود را فراموش می‌کنند و این رفتار به روابط انسانی و اعتماد متقابل آسیب جدی وارد می‌کند.

این نقاط ضعف، اگرچه بخشی از ذات انسانی هستند، اما با آگاهی، خودشناسی و تلاش می‌توان آن‌ها را مدیریت و اصلاح کرد. چنین تلاشی نه تنها فرد را به رشد و تعالی نزدیک‌تر می‌کند، بلکه جامعه‌ای همدل‌تر، عادلانه‌تر و پایدارتر را نیز شکل می‌دهد.

فرصت‌های انسان از دیدگاه قرآن

۱- قرآن^۱

قرآن به‌عنوان کتاب هدایت، راهنمای انسان‌ها به سوی حق و حقیقت است.

۲- پیامبران^۲

پیامبران الهی به‌عنوان واسطه رحمت، انسان‌ها را به راه راست هدایت می‌کنند.

۳- اهل ذکر و دانشمندان^۳

بهره‌گیری از علم و دانش دانشمندان، راه‌گشای انسان در مسیر زندگی است.

۴- هدایت^۴

هدایت الهی فرصت بزرگی است که شامل ایمان، عمل صالح و پاداش ابدی است.

۵- آسمان، زمین، باران، میوه‌ها، شمس و قمر^۵

نعمت‌های طبیعی خداوند زمینه‌ساز حیات و پیشرفت انسان هستند.

۱. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ»؛ «او کسی است که کتاب را بر تو

نازل کرده، برخی از آیات آن محکم است که اساس کتاب‌اند و برخی دیگر مشابه هستند...» (آل عمران، ۷).

۲. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛ «ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم» (انبیاء، ۱۰۷).

۳. «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ «اگر نمی‌دانید، از اهل ذکر بپرسید» (نحل، ۴۳).

۴. «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَبَّنَا بِالْحَقِّ وَوَدُّوا أَنْ يَكْفُرُوا بِالْحَقِّ وَأَوْرَثُواهَا بِنَاؤُنَّهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ «می‌گویند: ستایش برای خدایی است که ما را به این (نعمت‌ها) هدایت کرد، و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما هدایت نمی‌یافتیم. بی‌تردید پیامبران پروردگاران حق را آوردند» و (به آنان) ندا

داده می‌شود که: «این بهشت را در برابر اعمالی که انجام می‌دادید به ارث برده‌اید» (اعراف، ۴۳).

۵. «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ

أُتْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ «آن کسی که زمین را برای شما بستر و آسمان را همچون سقفی قرار داد، و از آسمان

آبی فرستاد، و با آن میوه‌ها را برای روزی شما بیرون آورد. پس برای خدا شریکی قرار ندهید، در حالی که

می‌دانید» (بقره، ۲۲).

۶- حکومت و ملک^۱

قدرت و حکومت می تواند فرصتی برای برپایی عدالت و خدمت به خلق باشد.

۷- چرخش ایام^۲

تغییر شرایط و گذر زمان فرصتی برای تجربه اندوزی و اصلاح است.

۸- مال و بنون^۳

اموال و فرزندان به عنوان نعمتی الهی، ابزاری برای آزمون و پیشرفت انسان هستند.

۹- وجود تفاوت ها^۴

تفاوت های قومی و زبانی فرصتی برای شناخت و تعامل انسان ها با یکدیگر است.

۱۰- حیات و زندگی^۵

زندگی، خود فرصتی بزرگ برای عبادت، رشد و تعالی انسان است.

این مفاهیم نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای تمام بشریت قابل فهم و قابل پذیرش هستند. زبان ساده و اصول اخلاقی مشترک مانند صداقت، عدالت، همدلی و مسئولیت پذیری، در همه ی فرهنگ ها قابل درک و قابل عمل هستند؛ بنابراین، فرصتی که قرآن برای انسان ها فراهم کرده است، می تواند به زبان جهانی برای تمامی انسان ها بیان شود.

۱. «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ»؛ «بگو: ای خداوند، مالک حکومت! سلطنت را به هر که بخواهی می دهی و از هر که بخواهی می گیری» (آل عمران، ۲۶).
۲. «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَكُمْ لَعْنَةٌ مَّا كَسَبْتُمْ وَلَكُمْ مَّا كَسَبْتُمْ»، «این امتی است که پیش از شما گذشت، آنچه را که کسب کرده اند برای خود دارند و آنچه را که شما کسب کرده اید برای خودتان است» (آل عمران، ۱۳۴).
۳. «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بَيْنًا وَبَيْنًا وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفْبَالًا بَلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ»؛ «و خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوادگانی پدید آورد، و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید؛ آیا (با این همه نعمت) به باطل ایمان می آورند و به نعمت خدا کفر می ورزند؟» (نحل، ۷۲).
۴. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»؛ «ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را به قبایل و گروه ها تقسیم کردیم تا یکدیگر را بشناسید» (حجرات، ۱۳).
۵. «وَاتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ»؛ «و با آنچه خدا به تو داده است، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن، و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده است، تو نیز نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا مفسدان را دوست ندارد» (قصص، ۷۷).

فرصت‌های انسان به زبان مشترک جهانی

زندگی انسان سرشار از فرصت‌هایی است که مسیر رشد و تعالی او را فراهم می‌کند. یکی از این فرصت‌ها، دسترسی به آموزه‌های الهی است که در کتاب‌هایی مانند قرآن ارائه شده‌اند. این آموزه‌ها، علاوه بر راهنمایی معنوی، راه‌حلی برای بسیاری از چالش‌های اخلاقی و اجتماعی زندگی ارائه می‌دهند. آن‌ها به ما کمک می‌کنند تا ارزش‌های انسانی مانند صداقت، عدالت و همدلی را در زندگی خود تقویت کنیم و مسیری مشخص‌تر برای آینده بسازیم.

پیامبران نیز به عنوان الگوهای انسانی و رهبران اخلاقی، فرصتی بی‌نظیر برای یادگیری و هدایت هستند. آموزه‌ها و رفتار آنان الهام‌بخش انسان‌ها برای زندگی‌ای آگاهانه، عادلانه و سرشار از محبت است. این پیامبران، مسیر درست را نشان می‌دهند و ما را تشویق می‌کنند تا در مواجهه با چالش‌های زندگی، تصمیماتی مسئولانه و آگاهانه بگیریم.

علم و دانش، یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌هایی است که به انسان داده شده است. یادگیری و بهره‌گیری از دانش، امکان درک عمیق‌تر از جهان و بهبود شرایط زندگی را فراهم می‌کند. علم می‌تواند انسان‌ها را به سمت حل مشکلات، ارتقای رفاه اجتماعی و تحقق عدالت هدایت کند.

جهان طبیعت نیز به عنوان منبعی از شگفتی و الهام، فرصتی برای تأمل و یادگیری است. آسمان، زمین، باران، خورشید و ماه، همه نشانه‌هایی از نظم و عظمت خلقت هستند. این جلوه‌های طبیعی، انسان‌ها را به تأمل در جایگاه خود و مسئولیت‌هایشان در قبال محیط زیست دعوت می‌کنند.

زمان، به‌عنوان یکی از ارزشمندترین سرمایه‌های انسانی، فرصتی برای اصلاح گذشته، بهره‌گیری از حال و ساختن آینده است. هر لحظه از زندگی، امکان جدیدی برای رشد، یادگیری و تجربه‌اندوزی فراهم می‌کند. استفاده درست از زمان، می‌تواند انسان را به سوی اهداف بلند و زندگی‌ای پربار هدایت کند.

تفاوت‌های فرهنگی و قومی نیز فرصتی ارزشمند برای تعامل و شناخت متقابل میان انسان‌ها است. این تفاوت‌ها، زمینه‌ای برای گسترش روابط انسانی، یادگیری از تجربیات دیگران و ایجاد جوامعی متنوع‌تر و منسجم‌تر فراهم می‌آورند.

قدرت و مسئولیت در حکمرانی، فرصتی برای خدمت به دیگران و تحقق عدالت است. کسانی که در موقعیت قدرت قرار دارند، می‌توانند با استفاده درست از این فرصت، تغییرات مثبتی در جامعه ایجاد کنند و در راستای بهبود زندگی مردم تلاش کنند.

ثروت و فرزندان نیز از جمله نعمت‌هایی هستند که با مدیریت درست، می‌توانند به ابزارهایی برای خدمت به دیگران و پیشرفت جامعه تبدیل شوند. این نعمت‌ها، مسئولیتی را به همراه دارند که می‌تواند زمینه‌ساز رشد فردی و اجتماعی باشد.

در نهایت، زندگی بزرگ‌ترین فرصت است. هر روز فرصتی برای یادگیری، خدمت و حرکت به سوی اهداف انسانی و معنوی است. زندگی این امکان را به انسان می‌دهد تا از توانایی‌ها و استعدادهای خود برای ساختن جهانی بهتر بهره‌بردار و نقشی مثبت در جامعه ایفا کند.

این فرصت‌ها، بدون در نظر گرفتن فرهنگ یا مذهب، برای همه‌ی انسان‌ها قابل درک و بهره‌برداری هستند. آن‌ها یادآور این نکته‌اند که در هر شرایطی می‌توان از نعمت‌های زندگی برای رشد و تعالی استفاده کرد و آینده‌ای انسانی‌تر و بهتر ساخت.

تهدیدات انسان از دیدگاه قرآن

۱- مال و بنون (اموال و فرزندان)^۱

اموال و فرزندان می‌توانند به‌عنوان یک آزمایش الهی، انسان را از مسیر حق منحرف کنند.

۱. «إِنَّمَا أَفْوَالُكُمْ وَ أَوْلَادُكُمْ فَتَنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»؛ «اموال و فرزندان شما فقط آزمایشی هستند و پاداش عظیمی نزد خداست» (انفال، ۲۸).

۲- سران، مهتران و بزرگان «خواص»^۱
 خواص جامعه ممکن است با سخنان و اعمال خود باعث گمراهی انسان شوند.

۳- بی‌ریشه‌ها^۲

کسانی که از تعقل و شنیدن حقایق دوری می‌کنند و در مسیر نادرست قدم می‌گذارند.

۴- مناع الخیرها (بازدارندگان از خیرات)^۳

کسانی که دیگران را از انجام کارهای خیر باز می‌دارند.

۵- دروغ‌گویان^۴

کسانی که به دروغ سخن می‌گویند و حقایق را تحریف می‌کنند.

۶- سخن‌چینان^۵

کسانی که با انتشار سخنان نادرست و شایعات، فتنه‌انگیزی می‌کنند.

۷- شیطان^۶

یکی از تهدیدات بزرگ بشری شیطان و وسوسه‌های اوست.

۸- تحریف‌کنندگان^۷

یکی دیگر از تهدیدات انسانی کسانی هستند که سخنان را تحریف می‌کنند.

۱. «ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ»؛ «پس بعد از آنان، موسی را با آیات خود به سوی فرعون و سران قوم او فرستادیم؛ ولی آنان (به جای ایمان آوردن) به آن‌ها ستم کردند. پس بنگر که سرانجام مفسدان چگونه بود!» (اعراف، ۱۰۳).

۲. «عَثَلٌ بَعْدَ ذَلِكَ رَيْبٌ»؛ «خشن و درشت‌خو، و علاوه بر آن، بداصل و بی‌نسب» (قلم، ۱۳).

۳. «مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٌ أُنِيمٌ»؛ «بازدارنده از خیر، متجاوز و گناهکار» (قلم، ۱۲).

۴. «فَلَا تُطْعِ الْمُكْذِبِينَ»؛ «پس از تکذیب‌کنندگان اطاعت مکن» (قلم، ۸).

۵. «هَمَّازٌ مَشَاءٌ بَنِيمٌ»؛ «عیب‌جو و سخن‌چین» (قلم، ۱۱).

۶. «فَأَرْزَلَهُمَا لَلشَّيْطَانِ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ»؛ «پس شیطان آن دو را لغزاید و از آنچه در آن بودند، بیرونشان کرد» (بقره، ۳۶).

۷. «مَنْ أَلْدَيْنِ هَادُوا يُخَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مَسْمَعٍ وَرَعَيْنَا لِيَا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنَا فِي أَلْدَيْنِ»؛ «برخی از یهودیان کلمات را از جایگاه‌های خود تحریف می‌کنند و می‌گویند: «شنیدیم و نافرمانی کردیم» و «بشنو، که هرگز نشنوی» و «واعنا» (با کنایه و تمسخر)، در حالیکه زبانشان را بیچانده و در دین طعنه می‌زنند» (نساء، ۴۶).

۹- غیر خودی‌ها^۱

کسانی که از هیچ نابسامانی شما کوتاهی نمی‌کنند و دوست دارند شما در رنج بیفتید. دشمنی از دهانشان آشکار است و از آن‌چه دل‌هایشان پنهان می‌دارد، بزرگ‌تر است.

۱۰- جاعلان^۲

کسانی که کارهای بد خودشان را به نام دیگران می‌زنند. این آیات به تهدیدات مختلفی اشاره دارند که قرآن برای کسانی که در مسیر انحراف و فساد قرار دارند، بیان کرده است. این تهدیدات بر اساس گناهان مختلف از جمله کفر، گناه، دروغ، سخن‌چینی، عیب‌جویی، و کم‌کاری در امور دینی مطرح شده‌اند.

در این شکل بیان، تهدیدات قرآنی به مفاهیم انسانی و اخلاقی تبدیل می‌شوند که برای تمامی افراد از هر دین و فرهنگ قابل فهم است. این مفاهیم به طور خاص بر اساس اصولی مانند صداقت، مسئولیت، انصاف، و خدمت به جامعه تأکید دارند که در تمام جوامع انسانی قابل درک هستند.

تهدیدات انسان از نگاه قرآن به زبان مشترک جهانی

زندگی انسان پر از چالش‌ها و تهدیداتی است که اگر به درستی مدیریت نشوند، می‌توانند او را از مسیر درست منحرف کنند. یکی از این تهدیدات، دلبستگی بیش از حد به مال و فرزندان است. اگرچه ثروت و خانواده بخشی از زندگی انسانی هستند، اما زمانی که به هدف اصلی تبدیل شوند، ممکن است انسان را از مسئولیت‌های واقعی و

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [افراد] از

غیر خودتان [به عنوان] رازدار و محرم اسرار نگیرید» (آل عمران، ۱۱۸).

۲. «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ تَمَتًّا قَلِيلًا»؛ «پس وای بر کسانی که

کتاب [تحریف شده‌ای] با دست‌های خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این از سوی خداست»، تا در برابر آن بهای اندکی به دست آورند» (بقره، ۷۹).

ارزش‌های عمیق‌تر دور کنند. فهم این نکته که این‌ها تنها ابزارهایی برای رشد و آزمون انسان هستند، راهی برای مدیریت درست این نعمت‌ها است.

قدرت و رهبری نیز از دیگر عرصه‌هایی هستند که می‌توانند به تهدید تبدیل شوند. افرادی که در موقعیت‌های قدرت قرار دارند، اگر مسئولیت‌های خود را نادیده بگیرند یا از این جایگاه برای منافع شخصی استفاده کنند، نه تنها به جامعه آسیب می‌رسانند، بلکه خودشان نیز دچار غرور و انحراف می‌شوند. قدرت باید ابزاری برای خدمت به دیگران و بهبود جامعه باشد، نه وسیله‌ای برای فریب و تسلط.

نداشتن اصول فکری و اخلاقی محکم نیز تهدیدی بزرگ برای انسان است. افرادی که هدف یا جهت مشخصی در زندگی ندارند، به راحتی تحت تأثیر شرایط یا افراد نادرست قرار می‌گیرند و مسیر خود را گم می‌کنند. داشتن چارچوب معنوی یا اخلاقی می‌تواند به آن‌ها در پیدا کردن مسیر درست کمک کند.

دروغ و فریب از دیگر تهدیدات جدی هستند که به روابط انسانی آسیب می‌رسانند. صداقت و راست‌گویی، بنیاد اعتماد در هر جامعه‌ای است. نبود این صفات می‌تواند باعث نابودی روابط و گمراهی فرد و جامعه شود. همچنین، کسانی که با سخنان خود میان مردم اختلاف می‌اندازند و تفرقه ایجاد می‌کنند، به جای ساختن، در حال تخریب جامعه هستند. تلاش برای ایجاد وحدت و صلح، راهی مؤثر برای مقابله با این تهدید است. رفتارهایی مانند عیب‌جویی و تضعیف دیگران نیز تهدیدی برای همبستگی اجتماعی هستند. افرادی که به دنبال برجسته کردن ضعف‌های دیگران هستند، فضای اعتماد و همدلی را از بین می‌برند. در مقابل، تمرکز بر تقویت نقاط قوت دیگران و تلاش برای ارتقاء جمعی، می‌تواند به ساختن جامعه‌ای همدلانه کمک کند. از جمله دیگر تهدیدات، شیطان و وسوسه‌های او است. شیطان همواره تلاش می‌کند با فریب و اغوای انسان‌ها، آن‌ها را به سمت گناه و دوری از ارزش‌های اخلاقی و معنوی سوق دهد. آگاهی از این خطر و مقاومت در برابر وسوسه‌های شیطانی، یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای حفظ سلامت روحی و معنوی است. مراقبت از نیت‌ها، تمرکز بر تقوا، و تقویت ایمان، راه‌هایی مؤثر برای مقابله با این تهدید بزرگ هستند.

تحریف کنندگان حقایق نیز از دیگر تهدیدات جدی هستند. این افراد با تغییر عمدی واقعیت‌ها، حقایق را تحریف می‌کنند تا به اهداف شخصی یا گروهی خود برسند. تحریف سخنان، چه در مسائل دینی و چه در مسائل اجتماعی، می‌تواند موجب گمراهی دیگران و ایجاد سردرگمی شود. مقابله با این تهدید نیازمند شفافیت، دقت در بیان حقایق و تلاش برای ارائه‌ی دانش درست و مستند است. درک عمیق از مسائل و ترویج حقیقت در برابر تحریف، به جامعه کمک می‌کند تا از این تهدید در امان بماند.

غیرخودیی‌ها یا کسانی که دشمنی آشکار و پنهان با انسان‌ها دارند، نیز تهدیدی جدی برای امنیت و ثبات جوامع هستند. این افراد معمولاً از ایجاد نابسامانی و رنج دیگران کوتاهی نمی‌کنند و دشمنی آن‌ها گاهی از ظاهر و گاهی از رفتارشان پیداست. مواجهه با این افراد نیازمند شناخت دقیق، مراقبت از اسرار و پرهیز از اعتماد بی‌جا به کسانی است که نیت‌هایشان مشخص نیست. حفظ انسجام درونی و تقویت روابط مبتنی بر اعتماد در جامعه، راهکاری کلیدی برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر چنین تهدیداتی است. جاعلان نیز تهدیدی مهم برای اخلاق و عدالت در جوامع به شمار می‌آیند. این افراد کارهای بد خود را به دیگران نسبت می‌دهند یا واقعیت‌ها را تحریف می‌کنند تا مسئولیت خطاهایشان را نپذیرند. این رفتارها نه تنها به اعتماد عمومی آسیب می‌رساند، بلکه موجب تخریب ارزش‌های اجتماعی نیز می‌شود. مقابله با جاعلان نیازمند شفافیت، برقراری عدالت، و آموزش آگاهی عمومی است تا افراد بتوانند در برابر این نوع فریب‌کاری‌ها ایستادگی کنند.

این تهدیدات جهانی و انسانی نشان می‌دهند که برای جلوگیری از انحراف، نیازمند آگاهی، مسئولیت‌پذیری و پایبندی به اصول اخلاقی هستیم. تنها با درک درست این چالش‌ها می‌توانیم مسیری به سوی رشد، عدالت و همبستگی بسازیم که برای همه انسان‌ها سودمند باشد.

رابطه‌ی سند تعالی انسان و حکمرانی اسلامی

سند تعالی انسان که بر اساس مدل SWOT استخراج می‌شود، ابزاری کارا و اثربخش

برای تحلیل وضعیت انسان از دیدگاه قرآن کریم و تدوین راهبردهایی برای رشد فردی و اجتماعی او در چارچوب حکمرانی اسلامی است. در همین چارچوب است که مأموریت‌ها، ارزش‌ها، نقاط قوت، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها مورد شناسایی و بررسی قرار می‌گیرند. ارتباط این سند با حکمرانی اسلامی به‌طور مشخص در موارد زیر قابل بررسی است:

۱. تبیین مأموریت و ارزش‌ها در حکمرانی اسلامی

سند تعالی انسان، مأموریت اصلی انسان (قرب الهی) و ارزش‌های بنیادین او (تقوا، عدالت، اخلاق و مسئولیت‌پذیری) را تبیین می‌کند. حکمرانی اسلامی به‌عنوان نظامی که در پی تحقق ارزش‌های قرآنی در جامعه است، از این مأموریت و ارزش‌ها به‌عنوان چارچوب نظری و عملی برای سیاست‌گذاری و مدیریت جامعه بهره می‌برد.

۲. تقویت نقاط قوت انسان در حکمرانی اسلامی

در مدل SWOT، نقاط قوت انسان (مانند فطرت الهی، عقلانیت، ظرفیت یادگیری و مسئولیت‌پذیری) شناسایی و تحلیل می‌شوند. حکمرانی اسلامی با ایجاد ساختارها و سیاست‌های مناسب، این نقاط قوت را تقویت می‌کند. به‌عنوان مثال، نظام تعلیم و تربیت اسلامی در جهت ارتقای معرفت و عقلانیت انسان گام برمی‌دارد و فطرت الهی را پرورش می‌دهد.

۳. مدیریت ضعف‌ها و آسیب‌های انسانی

یکی از وظایف اصلی حکمرانی اسلامی، مدیریت ضعف‌ها و چالش‌های فردی و اجتماعی است. سند تعالی انسان با شناسایی این ضعف‌ها (مانند غفلت، ضعف ایمان، خودمحوری و دنیاگرایی)، راهکارهایی برای رفع آن‌ها ارائه می‌دهد. حکمرانی اسلامی از این تحلیل برای سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی استفاده می‌کند تا زمینه‌ساز اصلاح و رشد انسان باشد.

۴. بهره‌برداری از فرصت‌ها

فرصت‌های موجود در جامعه، مانند ظرفیت‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی، در مدل SWOT شناسایی می‌شوند. حکمرانی اسلامی با برنامه‌ریزی راهبردی از این فرصت‌ها برای ارتقای سطح معنوی و مادی انسان استفاده می‌کند.

۵. کاهش و مدیریت تهدیدها

تهدیدهایی که در مسیر تعالی انسان قرار دارند (مانند انحرافات اخلاقی، تهاجم فرهنگی و سبک زندگی غیراسلامی)، در مدل SWOT تحلیل و شناسایی می‌شوند. حکمرانی اسلامی با سیاست‌گذاری هوشمندانه و مقابله‌ی فعال با این تهدیدها، بستر امن و سالمی را برای رشد فردی و اجتماعی فراهم می‌سازد.

۶. تحقق رشد فردی و اجتماعی

هدف اصلی سند تعالی انسان، دستیابی به رشد فردی و اجتماعی در پرتو آموزه‌های قرآنی است. حکمرانی اسلامی، با استفاده از نتایج این سند، می‌تواند برنامه‌ریزی و اقداماتی را برای تحقق این رشد در سطوح مختلف جامعه (آموزش، فرهنگ، اقتصاد و...) به کار گیرد. این رشد به‌طور مستقیم به تحقق تمدن نوین اسلامی و رسیدن به هدف غایی قرب الهی منتهی می‌شود.

نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف بررسی ظرفیت‌های قرآن کریم به‌عنوان کتابی جامع برای تعالی انسان، الگویی نوین در تحلیل مفاهیم قرآنی با استفاده از مدل SWOT ارائه کرده است. محور اصلی این مطالعه، تبیین مأموریت‌ها، ارزش‌ها، نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای انسان از منظر قرآن کریم بوده و تلاش شده است این مفاهیم به زبانی ساده، کاربردی و جهانی ارائه شوند.

بر اساس آموزه‌های قرآنی، مأموریت اصلی انسان در سه محور اساسی تعریف

می‌شود. عبادت و شناخت خداوند، مدیریت و آبادانی زمین، و برپایی عدالت. تحقق این مأموریت‌ها در پرتو ارزش‌های اخلاقی همچون صداقت، عدالت‌ورزی، گذشت و مسئولیت‌پذیری، زمینه‌ساز ساخت جامعه‌ای انسانی و تعالی‌بخش است.

نقاط قوت انسان مانند عقل و خرد، محبت، توانایی بیان، اراده و فطرت پاک، به‌عنوان سرمایه‌های اصلی برای پیشرفت و تعالی او معرفی می‌شوند. در مقابل، نقاط ضعف انسان از جمله عجله، فراموشکاری، سطحی‌نگری و ضعف در کنترل نفس، چالش‌هایی هستند که نیاز به مدیریت و اصلاح دارند. همچنین، فرصت‌هایی مانند آموزه‌های قرآنی، هدایت پیامبران، علم و طبیعت، به‌عنوان منابع ارزشمند برای رشد و توسعه انسان مطرح شده‌اند. از سوی دیگر، تهدیدهایی نظیر وابستگی به مال، تکبر، دروغ و اختلاف‌افکنی، به‌عنوان موانع مهمی در مسیر کمال انسانی شناسایی شده‌اند.

در پایان، مقاله بر دو ضرورت اساسی تأکید می‌کند:

الف) استفاده از زبانی مشترک و جهانی برای انتقال مفاهیم قرآنی به مخاطبان مختلف، تا این آموزه‌ها به ابزاری برای گسترش تعالی انسانی در ورای مرزهای دینی و فرهنگی تبدیل شوند.

ب) بهره‌گیری از تحلیل قرآنی مبتنی بر مدل SWOT در حکمرانی اسلامی، به‌عنوان راهکاری عملی برای تقویت نقاط قوت انسان، مدیریت ضعف‌های او، بهره‌برداری از فرصت‌ها و کاهش تهدیدها.

به این ترتیب، مدل SWOT به‌عنوان ابزاری نوآورانه و کارآمد، زمینه‌ی فهم عمیق‌تر مفاهیم قرآنی و بهره‌برداری از آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی را فراهم می‌آورد و مسیر حرکت انسان به سوی تعالی و قرب الهی را هموار می‌سازد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

برایسون، جان ام. (۱۳۷۲). برنامه‌ریزی استراتژیک (مترجم: عباس منوریان). تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

دیوید، آرفرد. (۱۳۸۱). مدیریت استراتژیک (مترجمان: علی پارسائیان و سید محمد اعرابی). بی‌جا: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

علی احمدی، علیرضا؛ فتح الله، مهدی و تاج‌الدین، ایرج. (۱۳۸۲). نگرشی جامع بر مدیریت استراتژیک. تهران: انتشارات تولید دانش.

لک‌زایی، نجف، پایگاه اینترنتی شفقتنا، ۱۴۰۱/۶/۱۸.

لک‌زایی، نجف، پایگاه اینترنتی شفقتنا، ۱۴۰۳/۷/۲۳.

مرادی، مهدی؛ تنگستانی، محمدقاسم. (۱۴۰۱). مفهوم و جایگاه سند در سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی و امکان‌سنجی استناد حقوقی و قضائی به آن. مجلس و راهبرد، ۲۹(۳)، صص ۳۶۵-۳۹۹.

مینتز برک، هنری. (۱۳۹۵). جنگل استراتژی (کارآفرینی در قالب یک مکتب) (مترجم: محمود احمدپور داریانی). تهران: انتشارات جاجرمی.

پژوهش‌های مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

* The Holy Quran

Ali Ahmadi, A., Fathollahi, M., & Tajoddin, I. (2003). *A Comprehensive View on Strategic Management*. Tehran: Knowledge Production Publications. [In Persian]

Bryson, J. M. (1993). *Strategic Planning* (A. Manourian, Trans.). Tehran: Public Management Training Center. [In Persian]

David, A. (2002). *Strategic Management* (A. Parsayan & S. M. A'rabi, Trans.). Cultural Research Office. [In Arabic]

Lakzaei, N. (2022). *Shafaqatna Website*. [In Persian]

Lakzaei, N. (2024). *Shafaqatna Website*. [In Persian]

Mintzberg, H. (2016). *Strategic Jungle: Entrepreneurship in the Form of a School* (M. Ahmadvpour Dariyani, Trans.). Tehran: Jajarmi Publications. [In Persian]

Moradi, M., & Tangestani, M. Q. (2023). The Concept and Position of Document in the Hierarchy of Legal Norms and the Feasibility of Legal and Judicial Reference to It. *Majles and Strategy*, 29(3), pp. 365-399. [In Persian]

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۶۲
مطالعات
اسلامی

سال اول، شماره اول (پیاپی ۱) بهار و تابستان ۱۴۰۴